



عاشورا؛ نمادی الهام بخش

در مبارزات حق طلبانه

دکتر فرهاد درویشی

عاشورا نمادی از مبارزه حق طلبانه در طول تاریخ است. عاشورا و مبارزه امام حسین علیه حکومت ظلم و جور با اندک یاران خود همیشه الهام بخش مبارزان در طول تاریخ بوده و هست. در طول جنگ ایران و عراق رزمندگان اسلام از این نماد مبارزه انگیزه و الهام می گرفتند و اقدام امام حسین (ع) و یاران وفادارش، الگو و نمونه عالی انسان حق طلب، ایثارگر و فداکار بود که همه مشکلات را به جان می خرید و در راه ایمان و عقیده جان خود را فدا می کرد. همزمانی ایام عاشورا با انتشار این شماره از مجله باعث شد تا نگاهی دوباره به این موضوع بیندازیم و تأثیر عاشورا بر جنگ ایران و عراق را در قالب طرح مسئله بیان نمائیم تا در فرصتی مناسب به این بعد از جنگ ایران و عراق و این نیروی الهام بخش و تحرک آفرین آنگونه که شایسته آن است توجه شود. به نظر می رسد تبیین دقیق و عقلانی چگونگی ارتباط بین عاشورا و جنگ ایران و عراق و سرانجام آن، حاوی درس های فراوانی برای همه مبارزان در جهان است.

تجاوز عراق به ایران زمانی صورت پذیرفت که نظام تازه تأسیس شده جمهوری اسلامی ایران با مشکلات داخلی و خارجی فراوانی مواجه بود و کمتر ناظر بین المللی گمان می کرد که ارتش بعثی عراق برای رسیدن به اهداف تعیین شده خود با مانع اساسی و عمده ای برخورد نماید و اصولاً تصمیم صدام به تجاوز به ایران از چنین محاسبات مادی و کوته بینانه ای ناشی می شد.

ماشین جنگی صدام وقتی که به طور رسمی از زمین و هوا در ۲۱ شهریور ۵۹ به سوی مرزهای ایران حرکت خود را آغاز کرد، هرگز تصور نمی کرد که پس از پشت سر گذاشتن نیروهای مسلح رسمی ایران، با مردم بی سلاح اما مصمم و با ایمانی مواجه خواهد شد که با تکیه بر فرهنگ عاشورایی خود با چنگ و دندان به دفاع از سرزمین و

ناموس خویش بر خواهند خاست. عدم محاسبه این عامل یعنی مقاومت مردم ایران، باعث شکست ارتش عراق و ناکامی آن در دست یابی به اهداف از پیش تعیین شده اش گردید. این مقاومت بیش از آنکه بر میزان آموزش نظامی نیروها و یا فرماندهی وسیع متکی باشد، برخاسته از ایمان و اعتقادات مردمی بود که طی قرون متمادی از فرهنگ عاشورایی تغذیه شده بودند.

صدام پس از شکست اولیه، در مرحله دوم بر آن شد تا با فشارهای سیاسی خود و اتکاء به قدرت های بزرگ و سازمان های بین المللی، با تحمیل صلح به مردم ایران، شکست خود را بیوشانند. بر همگان آشکار بود که ادامه جنگ و طولانی شدن آن با توجه به عدم توازن جمعیت، منابع و وسعت سرزمینی دو کشور، برای رژیم صدام بسیار شکننده است. همه تلاش ها حول این نکته متمرکز شده بود که بدون تعیین و تنبیه تجاوز، ایرانیان را وادار به پذیرش صلح تحمیلی و شرایط خویش نمایند. مردم ایران در این مرحله نیز با رهبری داهیانه امام راحل (ره)، راهی را برگزیدند که از مقتدای خویش امام حسین (ع) و شهات مظلومانه آن فراگرفته بودند. تحمل بیشترین فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی از سوی مردم ایران نه به دلیل لجاجت و خودسری بلکه دقیقاً بر اساس یکی از آموزه های اصلی عاشورا بود که هرگز نباید تن به ذلت داد و زیر بار ظلم رفت. این آمادگی ملت ایران برای کسب عزت و سربلندی ولو با هزینه فراوان مادی و انسانی، موجب شد تا جنگی را که صدام به زعم خویش برای ۳ روز و یا یک هفته آغاز کرده بود، هشت سال به درازا بکشد و همین مسأله زمینه های فروپاشی رژیم بعثی عراق را فراهم سازد.

سقوط رژیم بعثی صدام پس از حمله نظامی آمریکا و متعهدین به عراق، نه به دلیل توانمندی های ارتش آمریکا بلکه دقیقاً به دلیل شکافی بود که در رژیم حاکم بر عراق به دلیل آگاهی روزافزون مردم این کشور (اعم از شیعه و سنی و کرد و عرب) از ماهیت هیئت حاکم خود، پدید آمده بود. به نظر می رسد شکل گیری، تکوین و گسترش این آگاهی در ملت عراق، بیش از هر چیز، مدیون مقاومت ملت ایران در برابر توسعه طلبی و جنگ افروزی رژیم بعثی صدام باشد. مطمئناً اگر ملت ایران در همان روزهای اولیه جنگ، در برابر خواسته ها و شرایط غیرمنطقی و نامشروع صدام کوتاه آمده و به صلح تحمیلی مورد نظر صدام تن می دادند، او در هیئت یک قهرمان نظامی به میان ملت خود بازگشته و با آسودگی و فراغ بال به حکومت ظالمانه خویش ادامه می داد.

نحوه پایان جنگ نیز بسیار درس آموز است. در روزهای پایانی جنگ، بنا به دلایلی که باز شکافتن آنها فرصت دیگری را می طلبد، صدام در سال پایانی جنگ بار دیگر از لاک دفاعی خود بیرون آمد و مجدداً به سرزمین های ایران تجاوز نمود. تصور صدام این بود که طولانی شدن جنگ باعث ناامیدی نظامیان ایران شده و بار دیگر این امکان به وجود آمده است که او با اقداماتی بتواند به پیروزی قاطعی در جبهه های جنگ برسد. او تصور می کرد که مقاومت مردم ایران در آغاز جنگ در سال ۱۳۵۹ ناشی از شور و شوق پیروزی در انقلاب و سقوط رژیم شاه بوده است و با گذشت ۸ سال جنگ و سختی های فراوانی که بر آنها تحمیل شده، آنان دیگر انگیزه لازم را برای حضور گسترده در جبهه ها نخواهند داشت. صدام تصور می کرد اگر چه در آغاز و تداوم جنگ نتوانسته بود به اهداف خویش دست پیدا کند، الان فرصت مناسبی به وجود آمده که او می تواند در مرحله پایانی جنگ به اهداف خود دست یابد. برخلاف تصور صدام، هجوم بی امان و گسترده مردم به سمت جبهه ها پس از تجاوز مجدد ارتش عراق به ایران و شعار محوری آنها که «ما اهل کوفه نیستیم، امام تنها بماند» مجدداً اثبات نمود که فرهنگ عاشورایی حاکم بر جامعه ایران، مانعی جدی بر سر راه متجاوزان در هر سطح و در هر زمانی خواهد بود. عقب نشینی ارتش صدام

از مناطق مجدداً اشغال کرده و سپس نامه صدام به رهبری ایران و پذیرش دوباره قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر برای انجام مذاکرات، از جمله نتایج مرحله پایانی جنگ بود.

دقت در گزارش اجمالی فوق و سیر تحول جنگ ایران و عراق نشانگر این نکته اساسی است که فرهنگ عاشورایی به ملت ایران در مرحله آغاز، تداوم و پایان جنگ کمک نمود تا مانع از دستیابی دشمن به اهدافش گردد. تأسی و پیروی این ملت از مکتب عاشورا و درس اساسی آن یعنی مقاومت و مقابله با ظلم و ظالم، عامل اساسی در این پیروزی بوده است. ناگفته پیداست، عاشورا و درس های آن مختص ایران و شیعیان نبوده و نیست. تجربه مبارزات ۶۰ سال گذشته مردم در سراسر جهان اسلام از جمله لبنان و فلسطین علیه رژیم اشغالگر قدس نشان داده است که تنها طریق به ثمر نشستن مجاهدت های این ملت زجر کشیده، بهره گیری از مکتبی است که آموزگار آن حسین (ع)، و درس آن مقابله با ظلم و مقاومت در برابر ظالم و نتیجه نهایی آن پیروزی خون بر شمشیر است.

نگین ۲۶ در یک نگاه

جنگ ایران و عراق علل و دلایل متفاوتی داشت و به عنوان یک پدیده اجتماعی از منظرهای گوناگونی قابل بررسی است و بر پدیده های دیگر تاثیر گذاشته است. در این شماره نگین ایران پنج مقاله وجود دارد که هر کدام از آنها به بررسی مباحثی از جنگ پرداخته است. مقاله نخست علل و ریشه های جنگ را موضوع بحث و بررسی خود قرار داده است. نویسندگان بر این باور است که اختلافات بین ایران و عراق از بستر تاریخی پر قدمتی برخوردار است که سابقه آن را می توان تا دوره صفویه و حتی قبل از آن نیز عقب برد. این اختلافات برخاسته از زمینه های ژئوپلیتیکی، ژئومورفولوژی، مسائل دینی و مذهبی و غیره است که تحلیل جنگ هشت ساله بدون توجه به این بسترها، به نتیجه مقتضی نخواهد انجامید. در این مقاله، به تفصیل اختلافات دو کشور به طور مستند ریشه یابی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

مقاله دوم نگاه پسینی به موضوع جنگ ایران و عراق دارد. در این مقاله نویسندگان با بررسی چهار دایره المعارف معروف جهان نشان می دهند که جنگ ایران و عراق در این کتاب های مرجع به چه صورت ترسیم شده است. مقاله سوم هم به علل جنگ ایران و عراق می پردازد اما از منظری متفاوت که در آن نظریه سازه انگاری به عنوان چهارچوب تحلیل انتخاب شده است. از این منظر، ریشه یابی جنگ بدون توجه به ساختار و برداشت حزب بعث و مقامات ارشد آن از خود و جمهوری اسلامی ایران قابل درک نیست. هویت حزب بعث و تعریف آن از دگر خود عاملی اساسی در بروز جنگ بود که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله چهارم علل و نتایج جنگ ایران و عراق و تأثیرات آن بر سیاست داخلی و خارجی ترکیه را به اجمال توضیح می دهد. از نظر نویسندگان، این تأثیرات را می توان در قالب ملی گرایی کُردی، بنیادگرایی اسلامی و مشکلات اقتصادی خلاصه کرد که هنوز هم ادامه دارد.

مواضع و عملکرد شوروی در شروع و تداوم جنگ ایران و عراق موضوع مقاله آخر بخش مقالات است که به تشریح سوابق رابطه عراق و شوروی قبل از آغاز جنگ ایران و عراق، و رابطه دو کشور در دوره های مختلف جنگ می پردازد. نویسندگان با توجه به تأثیر گذاری عوامل مختلفی همچون رابطه شوروی و ایران، رابطه شوروی و آمریکا، سیاست منطقه ای شوروی، تحولات موجود در ساختار قدرت شوروی، تلاش می کند فراز و فرود رابطه عراق و شوروی را در خلال دوره فوق مورد تحلیل قرار دهد.

بخش ویژه این شماره به زرهی سپاه اختصاص دارد که در آن علاوه بر میزگرد و مصاحبه اختصاصی با برخی از فرماندهان زرهی سپاه در دوره جنگ ایران و عراق و حال حاضر مقاله ای در این خصوص نوشته شده و اسنادی در ارتباط با یگان زرهی در جنگ ارائه می شود. در میزگرد فصلنامه چهار تن از فرماندهان سپاه چگونگی شکل گیری یگان زرهی سپاه در طول جنگ و موانع و مشکلات موجود در این راه را مورد بررسی قرار داده اند. دستاورد ارزشمندی که با همه موانع سخت افزاری و نرم افزاری به همت و اراده فرماندهان و رزمندگان و با به غنیمت گرفتن تجهیزات زرهی دشمن پایه گذاری شد و به تدریج رشد یافت.

گفتگوی اختصاصی مجله نیز به همان موضوع مربوط است و در آن سردار یزدان مؤیدپور از فرماندهان زرهی سپاه در دوره جنگ به چگونگی تحول ساختاری این نیرو و در دوره های مختلف می پردازد. مقاله اختصاصی این بخش عملکرد و تجربیات زرهی ایران در دفاع مقدس با تأکید بر زرهی سپاه نام دارد که بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد می باشد.

در بخش اسناد و گزارش ها تلاش شده چند سند از اسناد مرکز اسناد دفاع مقدس در مورد زرهی سپاه، مشکلات سپاه در این زمینه، گلایه نامه های فرماندهان در این مورد انتخاب و ارائه شود تا خوانندگان به صورت مستند در جریان شکل گیری این واحد زرهی و مشکلات آن باشند.

بالاخره آخرین بخش این شماره معرفی و نقد کتاب است که در آن سه کتاب در حوزه مباحث جنگ ایران و عراق و مباحث نظری جنگ ارائه شده است. یکی از کتاب ها در مورد مذهب، انقلاب و جنگ ایران و عراق است و دو مورد دیگر به مباحث نظری جنگ در تمدن بشری و تعامل جنگ با فرهنگ راهبردی می پردازد.